

سخن مرحوم آخوند و اشکال اول ایشان بر مقدمیت:

مرحوم آخوند می نویسد:

«إن توهم توقف الشيء على ترك ضده ليس إلا من جهة المضادة و المعاندة بين الوجودين و قضيتهما [و قضيتها] الممانعة بينهما و من الواضحات أن عدم المانع من المقدمات. و هو توهم فاسد و ذلك لأن المعاندة و المنافرة بين الشئین لا تقتضی إلا عدم اجتماعهما فی التحقق و حیث لا منافاة أصلاً بین أحد العینین و ما هو نقيض الآخر و بدیله بل بینهما کمال الملاءمة کان أحد العینین مع نقيض الآخر و ما هو بدیله فی مرتبة واحدة من دون أن يكون فی البین ما يقتضی تقدم أحدهما على الآخر كما لا يخفى.»^۱

توضیح:

۱. اینکه برخی پنداشته اند اتیان شی متوقف بر ترک ضد است به این جهت است که بین یک شی و ضد آن، تنافی و تمناع وجود دارد و روشن است که «عدم المانع» یکی از مقدمات است. پس ترک ضد مقدمه اتیان شی است.
۲. ولی این یک توهم فاسد است چراکه:
۳. اولاً [و ذلك لأن...] معاندت بین دو شیء، صرفاً اقتضا می کند که آن دو باهم، در یک محل و در یک زمان موجود نشوند.
۴. اما این نکته به مقدمه بودن (جزء العله بودن) نمی انجامد چراکه:
۵. [جزء العله بودن مستلزم تقدم رتبی است، در حالیکه] بین صلوة و اکل اگرچه تنافی است ولی بین صلوة و لا اکل ملائمت است. و بالوجدان صلوة و لا اکل در مرتبه واحدی هستند.
۶. [بدیل عطف تفسیری نقيض است یعنی لايباض نقيض بياض است و هم چنین جانشین آن است]

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایة الأصول (طبع آل البيت)، ص ۱۲۹.



ما می گوئیم:

بر این سخن مرحوم آخوند، (اگر نخواهیم آن را صرفاً ادعایی بر اساس وجدان بدانیم و بگوئیم مرحوم آخوند می گوید بالوجدان لا اکل رتبه مقدم بر صلوٰه نیست) می توان اشکال کرد که: تمام سخن مرحوم آخوند آن است که می خواهند از «ملایمت لا اکل و صلوٰه» به هم رتبه بودن برسند، در حالیکه «ملایمت»، هم رتبه بودن را نتیجه نمی دهد چنانکه علت و معلول ملایم هستند ولی هم رتبه هم نیستند.

اللهم الا ان يقال:

مرحوم آخوند نمی خواهند بگویند چون ملایم هستند، هم رتبه هستند بلکه می خواهد بگوید از مضاده نمی توان «تقدم رتبی» را استفاده کرد لذا سخن «متوهم» که می خواست بگوید چون «مضاده» است، پس تقدم رتبی است، باطل است.

اگر بخواهیم چنین مطلبی را از سخن مرحوم آخوند استفاده کنیم، «من دون آن...» را باید چنین معنی کنیم: «وقتی بین لا اکل و صلوٰه ملائمت است و دلیلی بر تقدم رتبی یکی بر دیگری نیست، لاجرم این دو در مرتبه واحدی هستند.»

این مطلب از سخن مرحوم عراقی هم قابل استفاده است.

مرحوم عراقی در عبارتی که آن را بدون اشاره به کلام مرحوم آخوند مطرح می کند، اشاره می کند که ضدین صرفاً در وجود با هم جمع نمی شوند و این به معنای تمناع که به معنای مانعیت هر یک از دیگری است ندارد:

«أن مجرد التعاند بين الوجودين لا يقتضى التمناع المصطلح بل غاية اقتضائه عدم اجتماعهما في الوجود . وهذا المقدار لا يقتضى تقدّم أحدهما على الآخر بل غاية الأمر اقتضاؤه وجود أحدهما مع عدم الآخر و لو في رتبة واحدة و حينئذ لا موجب لاقتضاء أزيد من التلازم بين أحد الوجودين في الضدين مع عدم الآخر بلا مقدّمية لأحدهما على الآخر أصلاً.»^۱

۱. عراقی، ضیاء الدین، مقالات الأصول، ج ۱، ص ۳۴۰ [ایضاً، ن ک: تحریر الاصول، ص ۲۷۰، مظاهری اصفهانی]



سخن مرحوم اصفهانی در ذیل اشکال اول آخوند:

مرحوم اصفهانی سخن مرحوم آخوند را چنین تقریر کرده است:

«انه لا إشكال فی كون كل من الضدين مع الآخر فی رتبة واحدة، فليس أحدهما متقدما على الآخر، و من المسلمات أيضا ان وجود كل ضد و عدمه فی رتبة واحدة، فانهما يتواردان على محل واحد، فعدم الشيء فی رتبة وجوده بلا إشكال. و عليه فيكون عدم كل ضد فی رتبة الضد الآخر قهرا، لأنه فی رتبة نفس الضد، و المفروض بالمقدمة الأولى ان نفس الضد فی رتبة ضده الآخر.»^۱

توضیح:

۱. هر کدام از دو ضد (اکل و صلوٰة) با دیگری در یک رتبه هستند و چنین نیست که یکی بر دیگری مقدم

باشد [ما می گوئیم: این مطلب در کلام مرحوم آخوند اصلاً مورد اشاره قرار نگرفته است]

۲. از آن طرف هر ضد با عدم خودش در یک مرتبه هستند (اکل و عدم اکل) چراکه این دو بر محل واحد وارد می شوند.

۳. پس صلوٰة و عدم اکل هم با هم در یک رتبه هستند.

مرحوم اصفهانی سپس بر این سخن اشکال می کند:

«و تحقیق الجواب عنه: أن غاية ما يقتضيه الملاءمة بين الضدّ و نقيض ضده هي المقارنة الزمانية بين الضدّ و عدم الآخر، و المقارنة الزمانية لا تنافي التقدّم بالعلیّة أو بالطبع، كما أن التقدّم الزماني لا ينافي العلیّة أيضا، و أما كون عدم الضدّ بديلا لعین الضدّ، فلا يقتضى أن يكون فی رتبته، بل كما لا یأبى من أن يكون فی رتبة ضده، كذلك لا یأبى من أن يكون متقدّما علیه، أو متأخرا عنه طبعاً.»^۲

۱. روحانی، محمد، منتقى الأصول، ج ۲، ص ۳۴۱.

۲. اصفهانی، محمد حسین، نهاية الدراية فی شرح الكفاية، ج ۲، ص ۱۸۰.

